

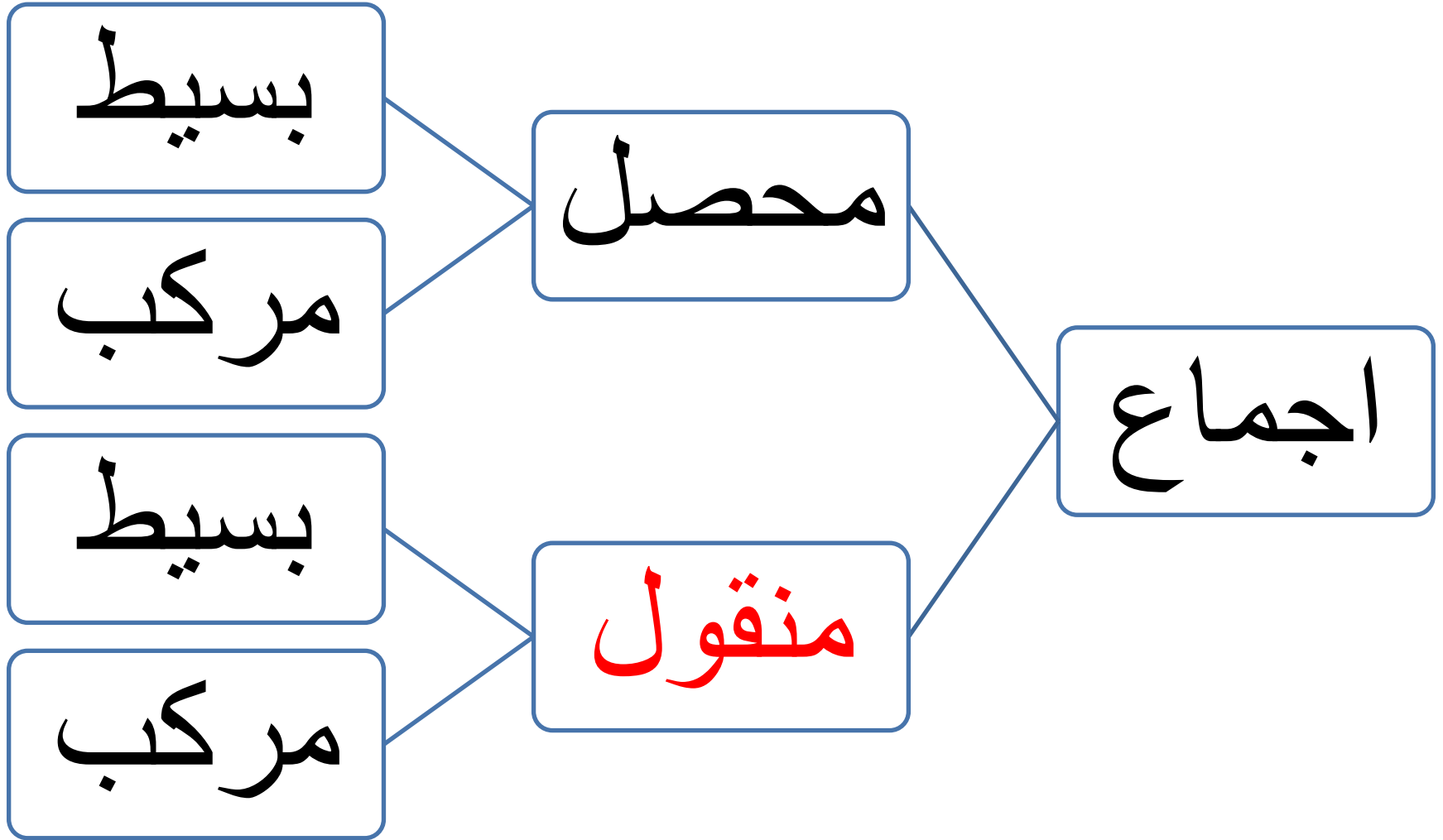
علم أصول الفقه

١٤

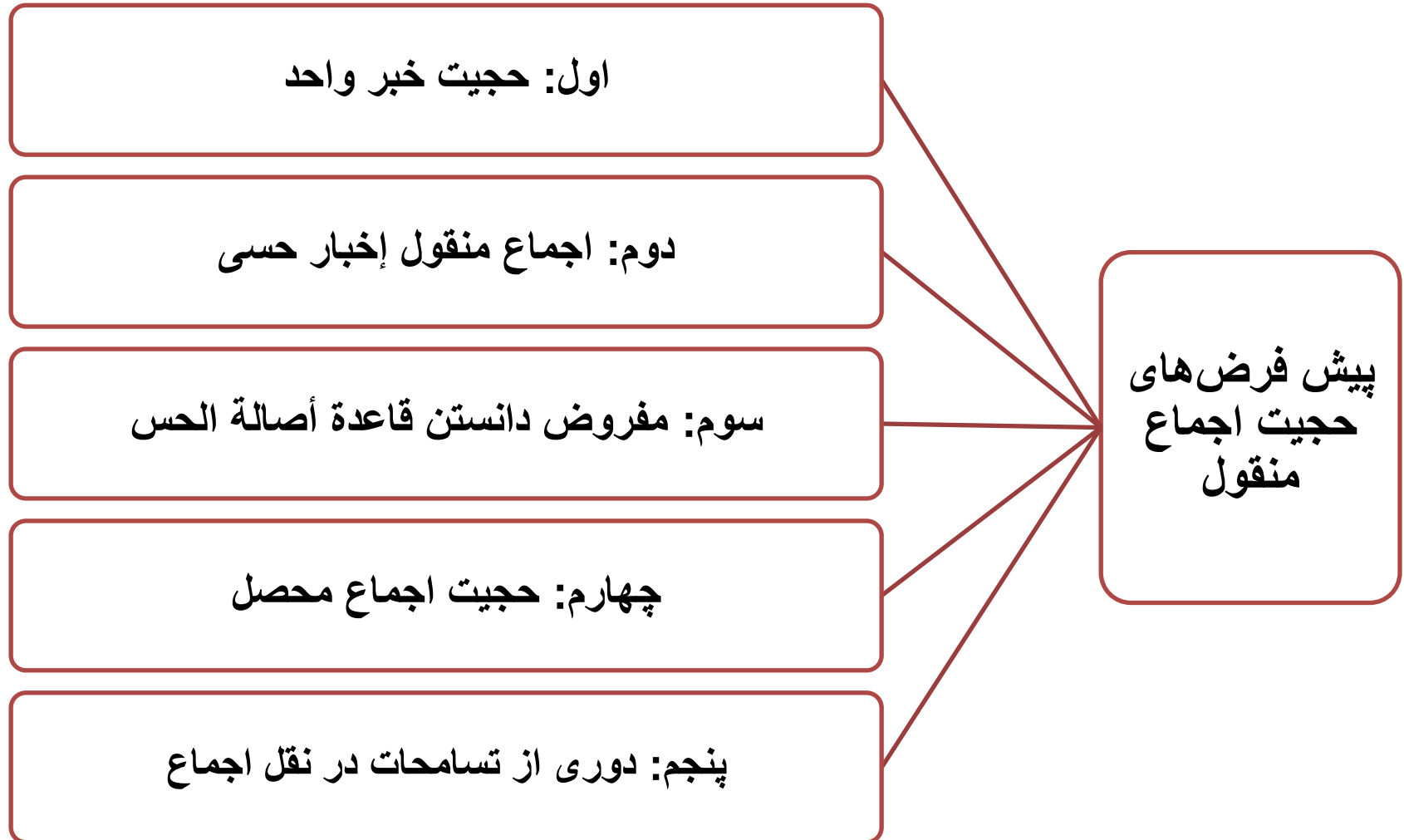
٩٣-٨-٢٠
اجماع

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

• فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ
 لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ
 شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
 يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (١٥٩)



اجماع منقول



اجماع منقول



اجماع منقول

- اشكال و جواب

اجماع منقول

- این اشکال مطرح می‌شود که هر یک از فتاوای فقهای گذشته به تنهایی برای ما حجیت ندارد. بنابراین نقل فتاوای آنها هم حجیت نخواهد؛ زیرا ما مقلد نیستیم و این بحث را به عنوان مجتهد مطرح می‌کنیم.

اجماع منقول

- آنچه برای ما نقل می‌شود، ملزوم (اتفاق فقها) است؛ اما آنچه برای ما حجت است، لازم (رأی معصوم - علیه السلام -) است که نقل نشده است.
- گفته‌اند وقتی مدلول مطابقی خبر در اجماع منقول که خود رأی فقها است، حجت نباشد، مدلول التزامی خبر که رأی معصوم - علیه السلام - است، هم حجت نخواهد بود.

اجماع منقول

- در منطق خوانده‌ایم که تا مدلول مطابقی نباشد، نوبت به مدلول التزامی نمی‌رسد؛ چون وجود مدلول التزامی لازم مدلول مطابقی است؛ به عبارت دیگر اگر لفظی ما وضع له ندارد، لازم ما وضع له هم برایش معنا ندارد و مدلول التزامی لازم ما وضع له است.

اجماع منقول

- حال سؤال این است که آیا در بحث حجیت نیز مدلول التزامی تابع مدلول مطابقی است؟ یعنی ابتدا باید مدلول مطابقی حجت باشد تا مدلول التزامی حجت شود؟

اجماع منقول

- دو مبنا در اینجا وجود دارد. یک مبنا که مبنای آیت الله خوئی - رضوان الله علیه - هم است، می گوید در بحث حجیت، مدلول التزامی تابع مدلول مطابقی نیست.
- مبنای دیگر می گوید مدلول التزامی تابع مدلول مطابقی است. اگر کسی مبنای عدم تابعیت را قبول داشته باشد، در بحث اجماع منقول می گوید می تواند مدلول مطابقی (اتفاق فقها) حجت نباشد؛ اما مدلول التزامی (رای معصوم - علیه السلام -) حجت باشد.

اجماع منقول

- رأی درست این است که مدلول التزامی در حجیت تابع مدلول مطابقی است؛ اما این تابعیت **در** در جایی است که حجیت مدلول مطابقی با تعارض از بین برود و کسانی که مثل شهید صدر - رضوان الله علیه - این مبنا را می پذیرند، در بحث اجماع منقول چنین پاسخ می دهد که اینجا اصلاً تعارضی در میان نیست و حجیت نسبت به مدلول مطابقی فی حد نفسه معنادار نیست.

اجماع منقول

- توضیح این پاسخ چنین است که در فرآیند دلالت لفظ بر مدلول التزامی وقتی شنونده لفظ را می‌شنود به دلیل علقه‌ای که بین لفظ و معنای موضوع له وجود دارد، به معنای موضوع له منتقل می‌گردد.

اجماع منقول

- اگر معنای موضوع له لازمی داشته باشد، با آمدن معنای موضوع له به ذهن شنونده، لازم معنا هم به ذهن او خواهد آمد. گاهی این لازم، لازم بین بالمعنی الأخص است؛ یعنی به صرف تصور موضوع له، لازم آن هم به ذهن می آید و دیگر نیازی به هیچ چیز دیگری نیست.

اجماع منقول

- گاهی این لازم، لازم بیّن بالمعنی الأعم است؛ یعنی اگر موضوع له و لازم را با هم تصور کنیم، حکم به ملازمه خواهیم کرد و زمانی نیز این لازم، لازم غیر بیّن است؛ یعنی وقتی موضوع له را با لازم تصور کردیم و یک سری اطلاعات دیگر هم به آن ضمیمه کنیم، از مجموعه این‌ها به ملازمه منتقل می‌شویم.

اجماع منقول

- در اصطلاح منطقی مدلول التزامی همان لازم بیّن بالمعنی الأخص است؛ ولی در علم اصول دایرة مدلول التزامی گسترده است و لازم بیّن بالمعنی الأعم و لازم غیر بیّن را هم شامل می شود. در بعضی از موارد که می گویند مدلول التزامی همان معنای منطقی مورد نظرشان است و در برخی موارد معنای اعم مورد نظرشان است.

اجماع منقول

- ما در انتقال به معنای التزامی همیشه از لفظ به معنای مطابقی و بعد از معنای مطابقی به معنای التزامی منتقل می‌شویم؛ چه در لزوم بین بالمعنی الأخص باشد و چه در بین بالمعنی الأعم و چه در غیر بین. پس همیشه مدلول مطابقی واسطه ما در انتقال به دلالت التزامی است.

اجماع منقول

- حال وقتی دو عبارت داریم که مدلول مطابقی آن دو با یکدیگر تعارض دارند؛ یعنی هر دو با هم نمی‌توانند صادق باشند، به نحو علم اجمالی احتمال کذبی در مدلول مطابقی پیدا می‌شود که باعث می‌گردد دلیل حجیت شامل مدلول مطابقی نشود.

اجماع منقول

- شهید صدر - رضوان الله علیه - می فرماید وقتی چنین احتمالی برای مدلول مطابقی پیش آمد، این احتمال کذب برای مدلول التزامی هم به وجود می آید بدین معنا که شاید مطابق با واقع نباشد یا اراده نشده باشد؛ چون اگر مدلول مطابقی نباشد به صورت اتوماتیک مدلول التزامی هم وجود نخواهد داشت و اگر این مدلول مطابقی مطابق با واقع نباشد، آن مدلول التزامی هم مطابق با واقع نخواهد بود و این عدم مطابقت در مدلول التزامی یک عدم و نبودنی اضافه بر نبودن مدلول مطابقی نیست.

اجماع منقول

- در بحث اجماع منقول ناقل عبارتی گفته است که مدلول مطابقیش فتوای فقها و مدلول التزامیش رأی معصومین - علیهم السلام - است. فتوای فقها حجت نیست نه از باب اینکه تعارض پیدا کرده است و احتمال کذب دارد، بلکه از این باب که دلیل حجیت، خود رأی فقیه را از آن جهت که رأی فقیه است، شامل نمی‌شود

اجماع منقول

- و در این جهت مثل یک امر تکوینی می ماند که اصلاً حجیت برای آن معنایی ندارد؛ چنان که وقتی بگویند، دمای سطح خورشید فلان درجه سانتیگراد است، اصلاً حجیت در این گزاره معنا ندارد؛ چون حجیت آن است که بخواهیم که بر اساس حجت کاری کنیم به گونه ای که اگر بعد معلوم شد کارمان درست نبوده است، برای اعتذار به این حجت تمسک کنیم؛ به تعبیر دیگر حجت یعنی چیزی که له و علیه چیزی از آن استفاده می شود.

اجماع منقول

- ذات فتاوی فقها این حالت را دارد؛ مثلاً اگر سلار بن عبد العزیز - رضوان الله علیه - فتوایی داده باشد، این له علیه کسی حجت نیست. فردا گفتند چرا این کار را کردی؟ نمی توانم بگویم سلار بن عبد العزیز - رضوان الله علیه - چنین فتوا داده بود؛ زیرا می گویند تو خودت فقیه بودی و باید فکر می کردی و به نتیجه می رسیدی یا اگر من بر خلافش عمل کردم، آن ها نمی توانند بگویند چرا طبق فتوای سلار بن عبد العزیز - رضوان الله علیه - عمل نکردی. این نکته حتی با فرض مطابقت فتوا با واقع هم مطرح است؛ یعنی حجت نیست نه از این باب که مطابق با واقع نیست، بلکه دلیل حجیت از ابتدا آن را شامل نمی شود.

اجماع منقول

- با این وجود دلیل حجیت، مدلول التزامی فتاوا را که قول معصوم - علیه السلام - است، شامل می شود و می توانم به عنوان حجت بدان تمسک کنیم. اگر گفتند چرا چنین کردی، می گویم رأی معصوم - علیه السلام - این بود. پس هر چند در اینجا مدلول مطابقی حجت نیست، مدلول التزامی به حجیت خود باقی می ماند.

اجماع منقول

- نتیجه اینکه اگر اجماع به گونه‌ای باشد که اگر خودمان آن را تحصیل می‌کردیم، کاشف از رأی معصوم - علیه السلام - بود، منقولش هم برای ما حجت خواهد بود.

اجماع منقول

- . همان.
- . در آینده در بحث حجیت خبر واحد درباره این نکته بحث خواهیم کرد.
- . چون متأخرین ادله‌ای غیر از همین ادله در دست و ارتکازاتی غیر از همین ارتکازات در اختیار ما نداشتند. فرض کنید امام خمینی - رضوان الله علیه - آیت الله خوئی - رضوان الله علیه - آیت الله حکیم - رضوان الله علیه - آیت الله بروجردی - رضوان الله علیه - همه یک فتوا دهند. ما احتمال نمی‌دهیم این بزرگان یک کتاب روایی داشته‌اند که به دست ما نرسیده باشد یا یک آیه‌ای از قرآن به دست آن‌ها رسیده باشد که به ما نرسیده باشد یا یک ارتکاز متشرعی تا زمان آن‌ها بوده است که به زمان ما نرسیده است. بنابراین اگر خود ما رأی ایشان را به دست می‌آوریم، کاشف از رأی معصوم - علیه السلام - نبود. حالاً رأی منقولشان هم کاشف از رأی معصوم - علیه السلام - نخواهد بود.

اجماع منقول

- سید مرتضی - رضوان الله علیه - استاد شیخ طوسی - رضوان الله علیه - و هر دو شاگرد شیخ مفید - رضوان الله علیه - بوده‌اند. با اینکه سید - رضوان الله علیه - کتاب الذریعه و شیخ - رضوان الله علیه - کتاب العدة را در هم زمان نوشته‌اند، در این دو کتاب تحقق دو اجماع مخالف هم را ادعا کرده‌اند.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۳۲۰. بعضی‌ها توجیهاتی برای این تناقض ذکر می‌کنند. یکی از علما معتقد است سید مرتضی - رضوان الله علیه - چون شان کلامیش قوی بوده و بحث‌هایی با اهل سنت داشته‌است و می‌دید آن‌ها هم خبر واحد دارند و در صورت حجت بودن خبر واحد، با خبر واحدهای آن‌ها نمی‌تواند کاری کند، فرموده است که خبر واحد حجت نیست. در واقع این حرف یک حرف جدلی در مقام بحث با اهل سنت است. این توجیه درست نیست؛ چون بحث‌های سید مرتضی - رضوان الله علیه - درباره حجت خبر واحد اصلاً کلامی نیست، بلکه بحث او در فقه است و ربطی ندارد به بحث شیعه و سنی ندارد.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۳۲۰؛ مباحث الأصول، ج ۲، ص ۳۰۶.
- برای نمونه، ر.ک: مرتضی الموسوی، السید علی بن حسین، مسائل الناصریات، کتاب القضاء، ص ۴۲۷.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۳۲۰.
- همان، ص ۳۱۸.
- این علقه ناشی از «وضع» است.
- بعضی از اصولی‌ها گفته‌اند مدلول تضمینی، نوعی مدلول التزامی است؛ زیرا وقتی لفظ دلالت بر کل می‌کند، جزء که لازمه تشکیل کل است، هم فهمیده می‌شود. از نظر اصطلاحات منطقی این حرف غلط است.